

---

❖

# حقوق اساسی تطبیقی

(نظام‌های پارلمانی، ریاستی، مختلط و اقتدارگرا)

---

❖

---

دکتر کمال‌الدین هریسی‌نژاد

---



انتشارات آیدین

۱۳۸۷

|                      |                                                                                             |
|----------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------|
| شناسگرد رکورد        | : ۱۱۶۱۷۷۰                                                                                   |
| وضعیت فهرست نویسی    | : فیبا                                                                                      |
| رده بندی کنگره       | : ۷۱۳۸۶ ح ۷۵۵۹۵۴                                                                            |
| شماره کتابشناسی ملی  | : ۱۱۶۱۷۷۰                                                                                   |
| سرشناسه              | : هریسی نژاد، کمال الدین، ۱۳۳۲ -                                                            |
| عنوان و نام پدید آور | : حقوق اساسی تطبیقی (نظام های پارلمانی، ریاستی، مختلط و اقتدارگرا) / کمال الدین هریسی نژاد. |
| وضعیت نشر            | : تبریز، آیدین، ۱۳۸۷.                                                                       |
| مشخصات ظاهری         | : ۲۷۴ ص.                                                                                    |
| شابک                 | : ۴۵۰۰۰ ریال : ۶۷۵-۵۵۹۲-۹۶۴-۹۷۸                                                             |
| یادداشت              | : کتابنامه: ص. ۲۷۱-۲۷۴.                                                                     |
| موضوع                | : حقوق تطبیقی.                                                                              |
| موضوع                | : حقوق اساسی.                                                                               |
| رده بندی دیویی       | : ۳۴۰/۲                                                                                     |



انتشارات آیدین

تبریز، خیابان شریعتی شمالی، نرسیده به سینما ۲۹ بهمن

صندوق پستی ۳۴۶۹-۵۱۳۸۵ تلفن: ۵۵۵۳۲۵۹ فاکس: ۵۵۳۰۵۲۳-۴۱۱.

حقوق اساسی تطبیقی

دکتر کمال الدین هریسی نژاد

• چاپ اول ۱۳۸۷ تبریز • شمارگان ۱۰۰۰ نسخه • لیتوگرافی ترسیم

• چاپ خودکار • صحافی لکتری • قیمت ۴۵۰۰ تومان

ویراستار ادبی محسن صلاحی راد

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                                     |
|------|-----------------------------------------------------------|
| ۱۵   | پیشگفتار.....                                             |
| ۱۷   | مقدمه.....                                                |
| ۱۹   | ۱. حقوق تطبیقی.....                                       |
| ۲۰   | ۲. حقوق اساسی تطبیقی.....                                 |
| ۲۱   | الف- تاریخچه حقوق اساسی تطبیقی.....                       |
| ۲۳   | ب- طبقه‌بندی کشورها جهت سهولت مطالعه.....                 |
| ۲۴   | ۱. طبقه‌بندی جغرافیایی.....                               |
| ۲۵   | ۲. طبقه‌بندی اقتصادی.....                                 |
| ۲۶   | ۳. طبقه‌بندی سیاسی.....                                   |
| ۲۶   | ۴. طبقه‌بندی حقوقی.....                                   |
| ۲۹   | بخش اول: نظام پارلمانی.....                               |
| ۳۱   | فصل اول- مبانی نظری.....                                  |
| ۳۳   | بند یک: همکاری بین قوه مجریه و قوه مقننه.....             |
| ۳۳   | الف- مشارکت قوه مجریه در امور قوه مقننه.....              |
| ۳۳   | ۱. حق شرکت اعضای قوه مجریه در جلسات مجالس قانونگذاری..... |
| ۳۴   | ۲. حق ابتکار قانون.....                                   |
| ۳۴   | ۳. اختیار نظامنامه‌ای.....                                |
| ۳۴   | ب- مشارکت قوه مقننه در امور قوه مجریه.....                |
| ۳۴   | ۱. تذکر و سؤال.....                                       |
| ۳۵   | ۲. تحقیق و تفحص.....                                      |

- ۳۵..... ۳. تصویب بودجه و صدور اجازه مالی
- ۳۶..... بند دوم: تعادل میان قوه مقننه و قوه مجریه
- ۳۶..... الف- اقتدار پارلمان
- ۳۶..... ۱. استقرار دولت
- ۳۷..... ۲. مسئولیت سیاسی دولت
- ۳۷..... الف) طرح مسئولیت سیاسی به ابتکار دولت
- ۳۷..... ب) طرح مسئولیت سیاسی به ابتکار نمایندگان
- ۳۸..... ب- اقتدار قوه مجریه
- ۳۹..... بند سه: دورکنی بودن قوه مجریه
- ۳۹..... الف- رئیس کشور
- ۴۰..... ۱. عدم انتخاب مستقیم به وسیله مردم
- ۴۰..... ۲. فقدان مسئولیت سیاسی
- ۴۱..... ۳. اختیارات
- ۴۲..... ب- کابینه یا هیئت دولت
- ۴۵..... فصل دوم- حقوق اساسی انگلستان
- ۴۹..... بند یک: پارلمان
- ۴۹..... الف- مجلس عوام
- ۴۹..... ۱. اعضا
- ۵۰..... ۲. سازمان
- ۵۰..... الف) سخنگو
- ۵۱..... ب) کمیسیونها
- ۵۱..... ۱) کمیسیونهای تقنینی
- ۵۲..... ۲) کمیسیونهای نظارتی
- ۵۲..... ج) فراکسیونهای پارلمانی
- ۵۲..... ۳. اختیارات
- ۵۳..... الف) اختیارات تقنینی
- ۵۳..... ب) اختیارات مالی
- ۵۴..... ج) اختیارات نظارتی

|    |                                              |
|----|----------------------------------------------|
| ۵۴ | (۱) سؤالات شفاهی                             |
| ۵۵ | (۲) استيضاح                                  |
| ۵۵ | ب- مجلس کردها (اعیان)                        |
| ۵۶ | ۱. اعضا                                      |
| ۵۷ | ۲. اختیارات                                  |
| ۵۷ | الف) امتیازات تشریفاتی                       |
| ۵۷ | ب) اختیارات قضایی                            |
| ۵۷ | ج) اختیارات سیاسی                            |
| ۵۸ | د) اختیارات تقنینی                           |
| ۵۹ | بند دو: مقام سلطنت                           |
| ۶۰ | الف- نیل به مقام سلطنت                       |
| ۶۱ | ب- امتیازات سلطنت                            |
| ۶۱ | ۱. امتیازات پادشاه در ارتباط با قوای سه گانه |
| ۶۲ | الف) نقش پادشاه در قوه مقننه                 |
| ۶۲ | ب) نقش پادشاه در قوه مجریه                   |
| ۶۳ | ج) نقش پادشاه در قوه قضائیه                  |
| ۶۳ | ۲. سایر امتیازات                             |
| ۶۴ | ج- شورای خصوصی                               |
| ۶۴ | بند سه: نخست وزیر و کابینه                   |
| ۶۵ | الف- نخست وزیر                               |
| ۶۷ | ب- کابینه                                    |
| ۷۱ | بند چهار: احزاب سیاسی                        |
| ۷۵ | فصل سوم- حقوق اساسی آلمان                    |
| ۷۸ | بند یک: قوه مقننه                            |
| ۷۸ | الف- مجلس نمایندگان (بوندستاگ)               |
| ۷۸ | ۱. اعضا                                      |
| ۷۹ | ۲. سازمان                                    |
| ۸۰ | ۳. اختیارات و صلاحیتها                       |

|                                                      |    |
|------------------------------------------------------|----|
| الف) اختیار قانونگذاری.....                          | ۸۱ |
| ب) اختیارات گزینشی.....                              | ۸۱ |
| ج) اختیار نظارتی.....                                | ۸۱ |
| د) اختیار تأسیسی.....                                | ۸۲ |
| ب- شورای ایالات (بوندسرات).....                      | ۸۲ |
| ۱. ترکیب و سازمان.....                               | ۸۲ |
| ۲. اختیارات.....                                     | ۸۳ |
| الف) اختیارات تقنینی.....                            | ۸۳ |
| ۱) حق وتوی قطعی.....                                 | ۸۴ |
| ۲) حق وتوی تعلیقی.....                               | ۸۴ |
| ب) سایر اختیارات.....                                | ۸۵ |
| بند دو: قوه مجریه.....                               | ۸۶ |
| الف- رئیس جمهور.....                                 | ۸۶ |
| ۱. انتخاب و عزل رئیس جمهور.....                      | ۸۶ |
| ۲. اختیارات رئیس جمهور.....                          | ۸۷ |
| ب- دولت و صدراعظم.....                               | ۸۸ |
| ۱. انتخاب صدراعظم.....                               | ۸۹ |
| ۲. برکناری صدراعظم و سقوط دولت.....                  | ۹۰ |
| ۳. اختیارات صدراعظم.....                             | ۹۱ |
| بند سه: دادگاه قانون اساسی.....                      | ۹۲ |
| الف- سازمان.....                                     | ۹۲ |
| ب- صلاحیت.....                                       | ۹۳ |
| ۱. تضمین سلسله مراتب قواعد حقوقی.....                | ۹۳ |
| ۲. تفسیر قانون اساسی.....                            | ۹۴ |
| ۳. صیانت از توزیع صلاحیتها میان قوای عمومی کشور..... | ۹۵ |
| ۴. صیانت از حقوق و آزادیهای بنیادین.....             | ۹۵ |
| ۵. رسیدگی به اتهامات رئیس جمهور.....                 | ۹۵ |
| ۶. رسیدگی به شکایات از تصمیمات مجلس نمایندگان ...    | ۹۵ |

۷. صیانت از نظم سیاسی و کارکرد مطلوب نظام دموکراتیک..... ۹۶
- فصل چهارم- نظام پارلمانی در چند کشور دیگر..... ۹۷
- بند یک: نظام پارلمانی در سایر کشورهای اروپایی..... ۹۸
- الف- حقوق اساسی ایتالیا..... ۹۸
۱. قوه مقننه..... ۱۰۰
- الف) اعضای پارلمان..... ۱۰۱
- ب) اختیارات پارلمان..... ۱۰۱
- ج) همه پرسی..... ۱۰۲
۲. قوه مجریه..... ۱۰۴
- الف) رئیس جمهور..... ۱۰۴
- ب) رئیس شورای وزیران و دولت..... ۱۰۵
۳. دادگاه قانون اساسی..... ۱۰۶
- ب- حقوق اساسی اسپانیا..... ۱۰۷
۱. پارلمان..... ۱۰۷
۲. قوه مجریه..... ۱۰۹
- الف) پادشاه..... ۱۰۹
- ب) هیئت دولت..... ۱۰۹
۳. دادگاه قانون اساسی..... ۱۱۰
۴. منطقه گرای..... ۱۱۱
- بند دو: نظام پارلمانی در سایر کشورهای جهان..... ۱۱۲
- الف- حقوق اساسی ژاپن..... ۱۱۲
۱. قوه مجریه..... ۱۱۳
- الف) امپراتور..... ۱۱۳
- ب) نخست وزیر و هیئت دولت..... ۱۱۴
۲. قوه مقننه..... ۱۱۵
- الف) اعضا..... ۱۱۵
- ب) اختیارات..... ۱۱۶
- ب- حقوق اساسی کانادا..... ۱۱۷

۱. پارلمان ..... ۱۱۸
- الف) مجلس عوام ..... ۱۱۹
- ب) مجلس سنا ..... ۱۲۰
۲. قوه مجریه ..... ۱۲۲
- الف) رئیس کشور ..... ۱۲۲
- ب) نخست‌وزیر و کابینه ..... ۱۲۳
۳. روابط پارلمان و دولت ..... ۱۲۳
- بخش دوم: نظام ریاستی ..... ۱۲۷
- فصل اول - مبانی نظری ..... ۱۲۹
- بند یک: استقلال قوا ..... ۱۳۰
- الف - استقلال سازمانی ..... ۱۳۰
- ب - استقلال کار و ریوای ..... ۱۳۱
- بند دو: قوه مجریه یک‌رکنی ..... ۱۳۲
- الف - انتخاب رئیس جمهور با انتخابات عمومی ..... ۱۳۳
- ب - مسئولیت وزرا در برابر رئیس جمهور ..... ۱۳۳
- بند سه: تعدیل در عمل ..... ۱۳۴
- فصل دوم - حقوق اساسی ایالات متحده آمریکا ..... ۱۳۷
- بند یک: قوه مجریه ..... ۱۴۱
- الف - انتخاب رئیس جمهور ..... ۱۴۱
۱. مرحله غیررسمی یا معرفی نامزدها ..... ۱۴۱
۲. مرحله رسمی یا انتخابات «هیئت انتخاب‌کننده» ..... ۱۴۳
۳. مرحله تشریفاتی ..... ۱۴۴
- ب - اختیارات رئیس جمهور ..... ۱۴۵
۱. اختیارات رئیس جمهور در حوزه‌های قانونگذاری و قضایی ..... ۱۴۵
- الف) در حوزه قانونگذاری ..... ۱۴۵
- ب) در امور قضایی ..... ۱۴۶
۲. اختیارات رئیس جمهور در حوزه اجرایی ..... ۱۴۷
- الف) اختیار وضع آئین‌نامه ..... ۱۴۷



- ۱۴۸..... (ب) ریاست سازمان اداری فدرال
- ۱۴۸..... (ج) سایر اختیارات
- ۱۴۹..... ج- همکاران رئیس جمهور یا سایر اعضای قوه مجریه
- ۱۵۰..... ۱. معاون رئیس جمهور
- ۱۵۱..... ۲. کابینه
- ۱۵۲..... ۳. دفتر اجرایی رئیس جمهور
- ۱۵۳..... بند دو: قوه مقننه
- ۱۵۳..... الف- اعضای کنگره
- ۱۵۳..... ۱. اعضای مجلس نمایندگان
- ۱۵۴..... ۲. اعضای مجلس سنا
- ۱۵۵..... ب- سازمان کنگره
- ۱۵۶..... ۱. مدیریت
- ۱۵۶..... ۲. کمیسیونها
- ۱۵۷..... ۳. فراکسیونها
- ۱۵۸..... ج- اختیارات کنگره
- ۱۵۸..... ۱. قانونگذاری
- ۱۶۰..... ۲. سایر اختیارات
- ۱۶۱..... الف) اختیارات قضایی
- ۱۶۱..... ب) اختیارات نظارتی
- ۱۶۲..... ج) اختیارات گزینشی
- ۱۶۳..... د) اختیارات تأسیسی
- ۱۶۳..... ه) اختیارات تجویزی
- ۱۶۴..... و) اختیارات ویژه مجلس سنا
- ۱۶۶..... بند سه: روابط قوه مجریه و قوه مقننه
- ۱۶۷..... الف- اختیارات متقابل رئیس جمهور و کنگره
- ۱۶۷..... ۱. اختیارات رئیس جمهور در برابر کنگره
- ۱۶۷..... الف) پیام به کنگره
- ۱۶۸..... ب) حق وتو نسبت به قوانین مصوب کنگره

۲. اختیارات کنگره در برابر رئیس جمهور ..... ۱۶۹
- الف) ابزارهای مستقیم تأثیرگذاری ..... ۱۶۹
- ب) ابزارهای غیرمستقیم تأثیرگذاری ..... ۱۶۹
- ب- نقش احزاب سیاسی و گروه‌های ذینفوذ ..... ۱۷۰
۱. احزاب سیاسی ..... ۱۷۰
- الف) فقدان مبانی فکری متفاوت ..... ۱۷۱
- ب) پایگاه اجتماعی نزدیک به هم ..... ۱۷۱
- ج) ساختار غیرمتمرکز ..... ۱۷۱
- د) ایفای نقش انتخاباتی ..... ۱۷۲
۲. گروه‌های ذینفوذ ..... ۱۷۲
- بخش سوم: نظام‌های مختلط (نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی) ..... ۱۷۵
- فصل اول- مبانی نظری ..... ۱۷۷
- بند یک: ابعاد پارلمانی ..... ۱۷۷
- الف- همکاری قوه مقننه و قوه مجریه ..... ۱۷۷
۱. مشارکت قوه مجریه در امور قوه مقننه ..... ۱۷۷
۲. مشارکت قوه مقننه در امور قوه مجریه ..... ۱۷۸
- ب- تعادل میان قوه مجریه و قوه مقننه ..... ۱۷۸
۱. اقتدار قوه مقننه بر قوه مجریه ..... ۱۷۸
۲. اقتدار قوه مجریه بر قوه مقننه ..... ۱۷۹
- بند دو: ابعاد ریاستی ..... ۱۷۹
- الف- انتخاب رئیس جمهور توسط مردم ..... ۱۷۹
- ب- وسعت اختیارات رئیس جمهور ..... ۱۷۹
- ج- عدم مسئولیت رئیس جمهور ..... ۱۷۹
- بند سه: نظام‌های مختلط در دنیای عمل ..... ۱۸۰
- فصل دوم- حقوق اساسی فرانسه ..... ۱۸۱
- بند یک: رئیس جمهور ..... ۱۸۲
- الف- انتخاب رئیس جمهور ..... ۱۸۳
۱. مراحل انتخابات ..... ۱۸۳

- مرحله اول: اعلام نامزدی ..... ۱۸۳
- مرحله دوم: تبلیغات انتخاباتی ..... ۱۸۴
- مرحله سوم: انجام انتخابات ..... ۱۸۴
۲. ملت ریاست جمهوری ..... ۱۸۵
- ب- اختیارات رئیس جمهور ..... ۱۸۶
۱. اختیارات ستی یک رئیس کشور پارلمانی ..... ۱۸۶
- الف) در امور اداری و اجرایی ..... ۱۸۶
- ب) در حوزه سیاست خارجی ..... ۱۸۷
- ج) در حوزه قانونگذاری ..... ۱۸۷
- د) در امور قضایی ..... ۱۸۷
۲. اختیارات شخصی یا صلاحیتهای اختیاری ..... ۱۸۸
- الف- اختیاراتی که رأساً اعمال می کند ..... ۱۸۸
- ب- اختیاراتی که با مشورت یا پیشنهاد مقام دیگر اعمال می کند ..... ۱۸۹
- بند دو: دولت ..... ۱۹۰
- الف- نخست وزیر ..... ۱۹۱
- ب- سایر اعضای دولت ..... ۱۹۲
- بند سه: قوه مقننه ..... ۱۹۶
- الف- ترکیب ..... ۱۹۶
- ب- سازمان ..... ۱۹۸
- ج- اختیارات ..... ۱۹۹
۱. اختیارات تقنینی ..... ۲۰۰
- الف) قلمرو قانون ..... ۲۰۰
- ب) مراحل وضع قانون ..... ۲۰۱
۲. اختیارات نظارتی ..... ۲۰۳
- الف) راههای کسب اطلاع ..... ۲۰۳
- ب) ضمانت اجرا: مسئولیت سیاسی دولت ..... ۲۰۵
۳. اختیارات تجویزی ..... ۲۰۷
- الف) تجویز درآمدها و هزینههای عمومی ..... ۲۰۷

- ۲۰۷..... (ب) تأیید معاهدات
- ۲۰۸..... (ج) اعلان جنگ
- ۲۰۸..... (د) اعلان حکومت نظامی و وضعیّت اضطراری
- ۲۰۸..... ۴. سایر اختیارات
- ۲۰۹..... بند چهار: شورای قانون اساسی
- ۲۰۹..... الف- ترکیب و سازمان شورای قانون اساسی
- ۲۱۰..... ب- اختیارات شورای قانون اساسی
- ۲۱۰..... ۱. اختیارات در رابطه با انتخابات
- ۲۱۰..... الف) انتخابات پارلمانی
- ۲۱۰..... ب) انتخابات ریاست جمهوری
- ۲۱۰..... ج) نظارت بر همه پرسی
- ۲۱۱..... ۲. اختیارات اعلامی و مشورتی
- ۲۱۱..... ۳. نظارت بر مطابقت قوانین عادی با قانون اساسی
- ۲۱۱..... الف) قوانین ارگانیک و آئین نامه داخلی مجلسین
- ۲۱۲..... ب) قوانین عادی
- ۲۱۲..... ۴. نظارت بر توزیع صلاحیّت قانونگذاری
- ۲۱۳..... فصل سوم- حقوق اساسی فدراسیون روسیه
- ۲۱۶..... بند یک: قوّه مجریّه
- ۲۱۶..... الف- رئیس جمهور
- ۲۱۷..... ۱. انتخاب رئیس جمهور
- ۲۱۷..... ۲. برکناری رئیس جمهور
- ۲۱۸..... ۳. اختیارات رئیس جمهور
- ۲۱۹..... ب- هیئت دولت
- ۲۲۱..... بند دو: قوّه مقننه
- ۲۲۱..... الف- ترکیب و سازمان
- ۲۲۳..... ب- اختیارات
- ۲۲۳..... ۱. اختیار قانونگذاری
- ۲۲۴..... ۲. سایر اختیارات

|     |                                                  |
|-----|--------------------------------------------------|
| ۲۲۴ | الف) اختیارات خاص شورای فدراسیون                 |
| ۲۲۴ | ب) اختیارات خاص مجلس دوما                        |
| ۲۲۵ | بند سه: دادگاه قانون اساسی                       |
| ۲۲۷ | بخش چهارم: نظام‌های اقتدارگرا                    |
| ۲۲۹ | فصل اول - مبانی نظری                             |
| ۲۳۰ | بند یک: اختلاط قوا                               |
| ۲۳۰ | الف - اختلاط قوا با حاکمیت قوه مقننه             |
| ۲۳۲ | ب - اختلاط قوا به سود قوه مجریه                  |
| ۲۳۴ | بند دو: فقدان چندگانگی سیاسی                     |
| ۲۳۹ | فصل دوم - حقوق اساسی اتحاد جماهیر شوروی سابق     |
| ۲۴۰ | بند یک: مبانی فکری و عقیدتی                      |
| ۲۴۲ | بند دو: تحولات قانون اساسی در اتحاد جماهیر شوروی |
| ۲۴۲ | الف - قانون اساسی سال ۱۹۱۸                       |
| ۲۴۳ | ب - قانون اساسی سال ۱۹۲۴                         |
| ۲۴۴ | ج - قانون اساسی سال ۱۹۳۶                         |
| ۲۴۵ | د - قانون اساسی سال ۱۹۷۷                         |
| ۲۴۵ | هـ - تحولات بعدی                                 |
| ۲۴۶ | بند سه: نهادهای حاکم                             |
| ۲۴۷ | الف - شورای عالی                                 |
| ۲۴۷ | ۱. ترکیب و سازمان شورای عالی                     |
| ۲۴۸ | ۲. صلاحیت و اختیارات شورای عالی                  |
| ۲۴۸ | الف) اختیار تأسیسی                               |
| ۲۴۹ | ب) اختیار قانونگذاری                             |
| ۲۴۹ | ج) اختیارات گزینشی و نظارتی                      |
| ۲۴۹ | ب - هیئت‌رئیس شورای عالی                         |
| ۲۵۰ | ج - شورای وزیران                                 |
| ۲۵۱ | د - حزب کمونیست شوروی                            |
| ۲۵۳ | ۱. سازمان حزب                                    |

|     |                                         |
|-----|-----------------------------------------|
| ۲۵۳ | الف) کنگره حزب.....                     |
| ۲۵۴ | ب) کمیته مرکزی.....                     |
| ۲۵۴ | ج) دفتر سیاسی.....                      |
| ۲۵۴ | د) دبیرخانه.....                        |
| ۲۵۵ | ۲. نقش حزب.....                         |
| ۲۵۵ | الف) انحصار سیاسی.....                  |
| ۲۵۶ | ب) انحصار اقتصادی و اجتماعی.....        |
| ۲۵۶ | ج) انحصار فکری و عقیدتی.....            |
| ۲۵۷ | فصل سوم- حقوق اساسی جمهوری خلق چین..... |
| ۲۵۸ | بند یک: تحولات سیاسی و اجتماعی.....     |
| ۲۶۰ | بند دو: تحولات قانون اساسی.....         |
| ۲۶۰ | الف- قانون اساسی ۱۹۵۴.....              |
| ۲۶۰ | ب- قانون اساسی ۱۹۷۵.....                |
| ۲۶۱ | ج- قانون اساسی ۱۹۷۸.....                |
| ۲۶۲ | د- قانون اساسی ۱۹۸۲.....                |
| ۲۶۲ | بند سه: ساختار حکومتی.....              |
| ۲۶۲ | الف- مجلس ملی خلق.....                  |
| ۲۶۳ | ۱. ترکیب و سازمان.....                  |
| ۲۶۳ | ۲. اختیارات.....                        |
| ۲۶۴ | ۳. کمیته دائمی مجلس.....                |
| ۲۶۴ | ب- رئیس جمهور.....                      |
| ۲۶۵ | ج- شورای امور دولتی.....                |
| ۲۶۶ | د- کمیسیون نظامی مرکزی.....             |
| ۲۶۶ | ه- حزب کمونیست.....                     |
| ۲۶۹ | فهرست منابع.....                        |
| ۲۶۹ | الف- به زبان فارسی.....                 |
| ۲۷۱ | ب- به زبان فرانسه.....                  |

## پیشگفتار

علیرغم فقر قابل توجهی که در کشور ما از نظر منابع در حوزه حقوق عمومی وجود دارد، در خصوص یکی از شاخه‌های آن، یعنی حقوق اساسی تطبیقی، خوشبختانه چندین کتاب به زیور طبع آراسته شده‌اند که در نوشتار حاضر بر حسب مورد و با ذکر نشانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. اما کتابی که در پیش روی دارید از ویژگیهایی برخوردار است که به سه مورد از اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. صرف‌نظر از مقدمه، چهاربخش اصلی کتاب به چهار نظام حقوقی - سیاسی که با ابتنا به نظریه تفکیک قوا مشخص شده‌اند اختصاص یافته است. در فصل اول هر بخش مبانی نظری نظام مطروحه مورد مطالعه و در فصل یا فصول بعدی آن، حقوق اساسی کشورهای مربوطه به عنوان مصادیق مهم آن نظام مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۲. در انتخاب کشورها برای مطالعه حقوق اساسی آنها به عنوان مصادیق، ترتیبی اتخاذ شده است تا اولاً حقوق اساسی کشورهای مهم و تأثیرگذار در جامعه بین‌المللی یعنی کشورهای گروه هشت مد نظر قرار گیرند و ثانیاً کشورهای مزبور از قاره‌های مختلف جهان بوده باشند.

۳. نظر بر این که از سویی در تئوری تفکیک قوا عمده‌تاً دو قوه مقننه و مجریه مورد توجه قرار می‌گیرند و از سوی دیگر به مطالعه قوه قضائیه کشورهای مختلف در کتاب‌های عام حقوق تطبیقی به طور مبسوط پرداخته می‌شود، لذا در نوشتار حاضر از طرح قوه قضائیه

کشورهای مورد مطالعه — جز در مواردی که بخشی از قوه مزبور مستقیماً در حقوق اساسی تأثیرگذار باشد — خودداری شده است.

پرواضح است همانند هرکار علمی دیگر نوشتار حاضر مصون از لغزش و خطا و بری از نقایص و کمبودها نیست. امید است که تذکرات و راهنمایی‌های اساتید صاحب‌نظر یاری بخش ما برای رفع ایرادات احتمالی در چاپ‌های بعدی باشد.

زمستان ۱۳۸۶

کمال‌الدین هریسی نژاد



## مقدمه

علم حقوق، که موضوع آن بررسی و مطالعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط اجتماعی انسان است، یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی بوده و مآلاً تحت‌تأثیر تحولات و دگرگونیهای اجتماعی می‌باشد. اختراعات، اکتشافات، انقلابات، ارتباطات و غیره، پیدایش روابط جدید و یا گسترش روابط موجود میان انسان‌ها را سبب می‌شوند و ضرورت وضع قواعد جدید یا تغییر قواعد موجود برای تنظیم روابط نوین، موجبات گسترش یا تحول قواعد حقوقی و در نتیجه علم حقوق را فراهم می‌آورد. اگرچه این تحولات طی قرون و اعصار به تدریج و یکی پس از دیگری به وقوع می‌پیوندند و اغلب به جامعه یا جوامعی معین اختصاص دارند، ولی در مقاطعی از حیات بشری دگرگونی‌هایی به منصفه ظهور نهشته‌اند که نه تنها تمام ابعاد زندگانی انسان را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند بلکه مرزهای جغرافیایی را نیز در هم نوردیده و سرنوشت کل بشریت را متأثر نموده‌اند. برخی از اندیشمندان اینگونه تحولات را فراتر از «انقلاب» در مفهوم عام کلمه دانسته و از آنها به عنوان «موج» یاد کرده‌اند که آخرین آن «موج سوم» یا «انقلاب ارتباطات» است.<sup>۱</sup>

تحت‌تأثیر موج اخیر، جهان معاصر به دنیای ارتباط و آگاهی و دنیای تحول و دگرگونی تبدیل شده است. هر اتفاقی در دورافتاده‌ترین منطقه جهان، سوار بر امواج ماهواره‌ای و اینترنتی و غیره بلافاصله در معرض دید یا ملاحظه جهانیان قرار می‌گیرد و هر تحولی در اقصی نقاط دنیا روند زندگانی تمام انسان‌ها را به چالش می‌کشانند و خلاصه کلام این‌که «دهکده جهانی» در حال شکل‌گیری است.

---

۱. «موج اول» انقلاب کشاورزی و «موج دوم» انقلاب صنعتی بوده است.

در چنین جهانی، روابط ملت‌ها روزبه‌روز گسترش یافته است. مردم بسیاری در گوشه و کنار آن با وقایعی که در جوامع دیگر اتفاق می‌افتند و با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آنها آشنا می‌شوند. اما هنوز هم نادانسته‌های جوامع مختلف در قبال همدیگر نسبت به دانسته‌های آنان فراوان است. این مشکل در زمینه‌های حقوقی حادث و اطلاعات و آگاهی‌ها در این حوزه به مراتب کمتر از حوزه‌های دیگر می‌باشد. واقعیت این است که ملت‌های مختلف نسبت به «حقوق ملّی» خود، آگاهی کمی دارند و طبیعی است که این آگاهی نسبت به حقوق ملّی بیگانه کمتر باشد.

اما جهل یا تجاهل به واقعیتی چیزی از اهمیت آن نمی‌کاهد. تاریخ مسیر بازگشت‌ناپذیر خود را، علی‌رغم فراز و نشیب‌هایی، می‌پیماید. تحولات اتفاق می‌افتند، روابط ملت‌ها گسترش می‌یابند، مبادلات فرهنگی و بازرگانی گسترده‌تر می‌شوند، مراودات افراد در سرزمین‌های یکدیگر افزون‌تر می‌گردد، تغییرات و دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون راه را برای تحول حقوق در کشورهای مختلف هموارتر می‌کنند و... این همه ایجاب می‌کند که ملت‌ها یکدیگر را بهتر بشناسند و به فرهنگ و تمدن یکدیگر آشنایی بیشتری داشته باشند، تا مشکلات خود را با حسن تفاهم و استفاده از تجربیات یکدیگر حل کنند. حقوق یکی از جنبه‌های اساسی تمدن است که شناسایی آن در روابط بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد. با شناخت حقوق یک ملت، آن ملت را بهتر می‌توان شناخت و حسن تفاهم بیشتری با آن داشت. شناسایی حقوق و تجربیات یک ملت در این زمینه می‌تواند برای اصلاح حقوق و رفع مشکلات داخلی نیز به کار آید. به‌علاوه حل بسیاری از مشکلات بین‌المللی با آشنایی ملل به حقوق یکدیگر آسان می‌گردد (تنک، ۱۳۶۹: ۲). به‌طور کلی می‌توان گفت که هیچ کشوری در عصر حاضر نمی‌تواند خود را محدود نماید و روابطی با دیگر کشورها نداشته باشد. برقراری روابط در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیر آن بستگی به آشنایی با قوانین آن کشورها دارد (مدنی، ۱۳۷۹: ۳۷). بنابراین، امروزه حقوق‌دانان نمی‌توانند مطالعات خود را به حقوق بومی خویش محدود کنند و ناچارند آن را به حقوق بیگانگان گسترش داده، با مفاهیم حقوقی دیگران آشنا شوند تا امکان پیدایش راه‌حلهای مطمئن و مناسب برای مسایل حقوقی ناشی از گسترش روابط دولتها و ملت‌ها فراهم آید. این مهم بر عهده شعبه‌ای از حقوق یعنی «حقوق تطبیقی» و شاخه‌های مختلف آن، که «حقوق اساسی تطبیقی» یکی از مهمترین آنهاست، نهاده شده است.

## ۱. حقوق تطبیقی<sup>۱</sup>

حقوق تطبیقی یکی از شعب علم حقوق است که موضوع آن مطالعه و تطبیق حقوق کشورهای مختلف به منظور تعیین نقاط اشتراک و افتراق، و اتخاذ بهترین راه‌حلهای حقوقی و از این طریق حرکت در جهت توسعه و تکامل حقوق می‌باشد. در خصوص علم بودن حقوق تطبیقی در میان حقوقدانان اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از آنها نظیر مارک آنسل<sup>۲</sup> معتقدند که حقوق تطبیقی علم است، زیرا نه تنها دارای متخصص می‌باشد بلکه نهادهای حقوقی را که یک نوع جغرافیای حقوقی است مورد مطالعه قرار می‌دهد. ضمناً نتیجه حاصل از مطالعه منظم حقوق تطبیقی با مطالعه حقوق داخلی یک کشور متفاوت است. عده‌ای دیگر مانند کوتریچ و داوید، حقوق تطبیقی را فقط روشی برای مطالعه می‌دانند و استدلال می‌کنند که چون حقوق تطبیقی، مانند فلسفه حقوق، موضوع خاصی ندارد لذا علم نمی‌باشد و برای مطالعه، صرفاً روشی بیش نیست (عرفانی، ۱۳۶۹: ۱۲ و ۱۱).

آنچه مسلم است این است که موضوع حقوق تطبیقی با موضوع سایر شعبات حقوق کاملاً متفاوت است. در حالی که موضوع هر کدام از شاخه‌های حقوقی مجموعه قواعد و مقرراتی است که بعدی از ابعاد زندگانی اجتماعی انسان را تنظیم می‌کنند، موضوع حقوق تطبیقی قواعد و مقررات خاص نیست. این شاخه از حقوق یک شیوه علمی برای تطبیق و مقایسه نظامهای مختلف حقوقی است و همانگونه که مارک آنسل تأکید دارد، متخصصین این علم، عالم حقوق تطبیقی هستند و نه عالم به روش و متد کار، و الزاماً باید به مسائل حقوقی موضوع تطبیق احاطه کامل داشته باشند.

مطالعات حقوقی تطبیقی، افقهای دید حقوقدانان و به تبع آنها سیاستمداران و مدیران جوامع را وسعت می‌بخشند و چشم‌اندازهای نوینی را در برابر دیدگان آنها می‌گشایند. بیراه نیست اگر گفته شود که حقوق تطبیقی نماینده یکی از جالب‌ترین تلاشهایی است که در جهت تجدید معنای جهانی علوم حقوقی به عمل می‌آید و هم ازین‌روست که می‌توان گفت علمی انسان‌گرا است، یا از کاربرد جهانی آن سخن گفت و یا خاطر نشان ساخت که حقوق تطبیقی عاملی در جهت تفاهم بین ملت‌هاست (ردیر، ۱۳۷۱: ۱۳).

۱. برای تفصیل بیشتر در خصوص تعریف، ماهیت، وظایف و اهداف حقوق تطبیقی ر.ک.: دکتر حسن افشار (۱۳۵۵). کلیات حقوق تطبیقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۵ به بعد.

2. Marc Ancel

فواید حقوق تطبیقی و نقش عمده آن در علم حقوق را یکی از برجسته‌ترین علمای این رشته اینچنین خلاصه کرده است: حقوق تطبیقی نخست بر آن است که با بهره‌گیری از تجربه همه ملل، حقوقدانان را در مورد نقش و معنی حقوق روشن کند. از سوی دیگر، حقوق تطبیقی در نظر دارد در زمینه عملی‌تر، سازماندهی جامعه بین‌المللی را، با نشان دادن امکانات توافق و پیشنهاد فرمولهایی برای تنظیم روابط بین‌الملل، آسان کند. در مرحله سوم، حقوق تطبیقی به حقوقدانان ملل گوناگون امکان می‌دهد که در مورد حقوق داخلی خود از ابتدال و کار یکنواخت دوری جست، به اصلاح آن بپردازند (داوید، ۱۳۶۴: ۱۷).

موارد فوق‌الذکر و دیگر کارکردها و فواید حقوق تطبیقی، که پرداختن به آنها از حوصله این نوشتار خارج است، موجبات گسترش روزافزون این شعبه از حقوق و توجه بیش از پیش به آن را فراهم کرده‌اند که ایجاد کرسی‌های حقوق تطبیقی در تمام دانشکده‌های حقوق دنیا، تأسیس آکادمیهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حقوق تطبیقی و تشکیل سمینارها، کنگره‌ها و کنفرانس‌های منظم و غیرمنظم در سطح ملی و بین‌المللی و غیره شاهد این مدعا هستند.

نه تنها حقوق تطبیقی، به عنوان علمی که موضوع آن مطالعه نظام حقوقی کشورهای دیگر به‌طور کلی می‌باشد، امروزه توسعه فراوان یافته است بلکه مقایسه نهادها و مفاهیم حقوقی در یک رشته معین نیز موردتوجه خاص قرار گرفته و آثار ارزنده‌ای در آن زمینه‌ها عرضه شده‌اند و به این ترتیب حقوق کیفری تطبیقی، حقوق تجارت تطبیقی، حقوق مدنی تطبیقی، حقوق اداری تطبیقی، حقوق اساسی تطبیقی و غیره شکل گرفته و به تعلیم و تعلم آنها همت گماشته می‌شود و مورد اخیر است که در این کتاب مدنظر می‌باشد.

## ۲. حقوق اساسی تطبیقی

حقوق اساسی مجموعه اصول و قواعدی است که رابطه حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان را تنظیم می‌کند. در خصوص موضوع این رشته از علم حقوق و ترسیم حد و مرزهای آن اتفاق نظر وجود ندارد. بررسی قواعد مندرج در قانون اساسی، مطالعه روابط مربوط به دولت، بررسی نهادهای سیاسی، چهارچوب‌بندی حقوقی پدیده‌های سیاسی و مطالعه آن دسته از قواعد حقوقی که به وسیله آنها قدرت سیاسی مستقر، اجرا و منتقل می‌گردد، از جمله مواردی هستند که با جمع‌بندی گرایشهای مهم در این زمینه به دست می‌آیند. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که موضوع اصلی این شاخه از حقوق عمومی مطالعه شکل‌گیری حقوقی برخی پدیده‌های سیاسی است و

بنابراین سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی، ساختار حکومت، روابط قوا و حد و مرز آنها، انتخابات و همچنین حقوق فردی و آزادیهای عمومی مورد توجه قانون اساسی است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۳: ۳۰).

معمولاً در برنامه‌های درسی دانشگاهها و یا در آثار و تحقیقات محققین و مؤلفین، موضوعات حقوق اساسی تحت سه عنوان مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نخست: کلیات حقوق اساسی که در آن عمدتاً وجوه مشترک و مسایل اساسی حقوق اساسی بدون توجه به ویژگیهای سیاسی و حقوقی یک کشور خاص مورد بحث قرار می‌گیرد.

دوم: حقوق اساسی کشور خاص که به بررسی و مطالعه ویژگیهای سیاسی و حقوقی حکومت و روابط آن با مردم در یک کشور خاص می‌پردازد.

سوم: حقوق اساسی تطبیقی که در آن به مسایل حقوق اساسی با توجه به رژیمهای سیاسی و حقوقی کشورهای مختلف و مقایسه آنها با یکدیگر پرداخته می‌شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۲۱).

بعد از خیر حقوق اساسی، یعنی حقوق اساسی تطبیقی، که موضوع اصلی آن مقایسه و ارزیابی نهادهای سیاسی کشورهای مختلف و بررسی و تجزیه و تحلیل جهات مشترک و وجوه افتراق حقوق اساسی آنها است، اگرچه در دوران معاصر گسترش فراوان یافته است، ولی بی‌بهره از پیشینه تاریخی نیست و معیارهایی که در آن برای تقسیم‌بندی کشورها جهت سهولت مطالعه مد نظر قرار می‌گیرند، یکسان نیستند.

### الف- تاریخچه حقوق اساسی تطبیقی

اگرچه حقوق اساسی و به تبع آن حقوق اساسی تطبیقی به عنوان یک رشته علمی در قرون اخیر و به دنبال ظهور و گسترش متون قوانین اساسی در کشورهای مختلف، تکوین و توسعه یافته و مورد توجه محافل علمی و دانشگاهی قرار گرفته‌اند، اما مطالعات تطبیقی در خصوص نظامهای سیاسی از نوآوریهای این دوران محسوب نمی‌شود و از روزگاران قدیم تداول داشته است. این مطالعات ابتدا در حوزه تاریخ و تاریخ‌نگاری انجام پذیرفته‌اند، به نوعی که به عنوان مثال «مارسل پرهلو»<sup>۱</sup> استاد دانشگاه پاریس، کتاب جامع و موجز خود را به نام «تاریخ اندیشه سیاسی» با بررسی اندیشه‌های هرودوت تاریخ‌نویس آغاز کرده است، زیرا به نظر وی آنچه هرودوت در متن

گزارشهای تاریخی خود از انواع نظامهای سیاسی گفته، نمودار شیوه تفکر یونانیان باستان درباره انواع حکومتها است (عنایت، ۱۳۵۱: ۱).

اما سابقه مطالعات تطبیقی نظاممند در خصوص نظامهای حکومتی، ریشه در اندیشه سیاسی و فلسفه سیاست دارد و شروع آن به تمدنهای باستانی بازمی‌گردد. می‌توان پذیرفت که شهرت و اشتیاق متفکران یونان، روم و ایران به مباحث نظام سیاسی، از سابقه طولانی مسایلی که امروزه موضوع حقوق اساسی تطبیقی قرار می‌گیرند، حکایت دارد. یونان باستان در این مورد، همانند بسیاری موارد دیگر، گوی سبقت را از دیگران ربوده است. در این تمدن، تدوین و تنظیم مقررات دولت‌شهر آتن، به‌وسیله سُلُن<sup>۱</sup> براساس مطالعه قوانین اساسی کشورهای مختلف بوده است (مدنی، ۱۳۷۹: ۲۷). ارسطو مطالعه ۱۵۳ قانون اساسی حاکم بر شهرهای یونانی و بربر را مبنای کتابی قرار داده که درباره سیاست نوشته است. وی در مقدمه کتاب سوم از سیاست که هدفش جستجوی بهترین جامعه سیاسی است، بررسی حکومتهایی را که به تدبیر و سیاست شهرت یافته‌اند ضروری دانسته و تأکید کرده که حتی حکومتهایی را که صاحب‌نظران پیشنهاد کرده‌اند، اگرچه وجود خارجی نیافته باشند، باید مورد مطالعه قرار داد. آنگاه حکومت‌های مهم زمان خود از جمله آتن<sup>۲</sup>، اسپارت<sup>۳</sup>، کارتاژ<sup>۴</sup>، کرت<sup>۵</sup> را مشروحاً تجزیه و تحلیل می‌کند و به بحث از قوانین اساسی کشورهای بسیاری که قلمرو آنها از حد یک شهر تجاوز نمی‌کرده است، می‌پردازد (بوشهری، ۱۳۷۶: ۱۷۷).

در دوران قرون وسطی، بررسی نظامهای سیاسی و مقایسه آنها با همدیگر همانند سایر شاخه‌های علمی و فکری در محاق افتاد و اندیشمندان و صاحب‌نظران فرصت ظهور نیافتند. این رکود تا دوره رنسانس<sup>۶</sup> ادامه می‌یابد. اما متفکران و فلاسفه دوره اخیر در زمینه بهترین نظام سیاسی مباحث حقوقی سودمندی را مطرح می‌کنند. ماکیاولی<sup>۷</sup> در کتاب معروف خود به نام «شهریار» با واقع‌بینی، حکومتهای زمان خود را در ایتالیا و سایر کشورهای اروپا بررسی و تطبیق کرده و به طرح سؤالهای روشن و خالی از ابهام از قبیل این‌که «راز موفقیت حاکم در چیست؟»، «چه عواملی دولت را از آفات مصون می‌دارد و آن را قوی می‌سازد؟» پرداخته است. از مختصات

1. Solon
2. Atten
3. Sparta
4. Carthage
5. Crete
6. Renaissance
7. Machiavelli

این سیاستمدار چیره‌دست است که برای اقناع خواننده به مطالعات تطبیقی می‌پردازد و امثال و مواردی را ذکر و آنها را با استفاده از روشهای دقیق، مقایسه و تطبیق می‌کند (همان: ۱۷۸). در همان دوران، ژان بُدن<sup>۱</sup>، سازمان و وظائف، اختیارات و اقتدارات حکومتهای زمان خود را در اروپا مورد مقایسه قرار می‌دهد و با استفاده از نتایج این مطالعات نظریه ابداعی خود را در مورد «حاکمیت» ارائه می‌کند.

قرن هجدهم نقطه عطف در موضوع مورد مطالعه می‌باشد و طرح مسئله تفکیک قوا نخستین مرحله جدید حقوق اساسی تطبیقی به شمار می‌آید که بهترین شارح آن متسکیو<sup>۲</sup> بوده است. این اندیشمند از طریق مقایسه کوشید در روح قوانین نفوذ کند و اصول یک نظام حکومتی خوب را به دست آورد (داوید، ۱۳۶۴: ۴). و به این ترتیب، تطبیق قوانین و ظواهر آنها جای خود را به مقایسه مبانی و اصول داد.

نهضت تدوین و تصویب قانون اساسی که با انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه در دهه‌های پایانی قرن هجدهم آغاز شده بود، در قرن نوزدهم توسعه یافت و در اوایل قرن بیستم به اوج خود رسید. این حرکت از دو نظر حقوق اساسی تطبیقی را متأثر کرد. از یک سو در جریان تدوین قوانین اساسی جدید، قوانین اساسی موجود مورد بررسی و مقایسه قرار گرفتند و از سوی دیگر، با تدوین قوانین اساسی مختلف که روزبه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد، منابع مدون بسیار مهمی برای مطالعات حقوق اساسی تطبیقی فراهم گردید. به این ترتیب این شاخه از حقوق در مرحله نوینی از حیات خود وارد شد. توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی، صنعتی و سیاسی میان کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم و به‌ویژه انقلاب در حوزه ارتباطات بر اهمیت مطالعات حقوق اساسی تطبیقی افزود.

## ب- طبقه‌بندی کشورها جهت سهولت مطالعه

امروزه نزدیک به دویست کشور در جهان وجود دارند که اغلب قریب به اتفاق آنها دارای قانون اساسی هستند. اگر متن و محتوی حقوق اساسی همه این کشورها جهت مقایسه در نظر گرفته شوند، با تنوع قابل ملاحظه‌ای مواجه خواهیم بود که مطالعه همه آنها و رسیدن به نتایج موردنظر اگر نه غیرممکن لاقابل بسیار مشکل است. در مقابل اگر عناصر اساسی‌تر و پایدارتر را، که به یاری

آنها می‌توان قواعد را کشف و تفسیر کرد و ارزش آنها را مشخص نمود، مدّ نظر قرار دهیم، اختلاف بسی کمتر خواهد بود... از این رو، می‌توان با نادیده گرفتن اختلافات فرعی، نظامهای مختلف حقوقی را به چند «خانواده» تقسیم کرد. به همان گونه که در زمینه مذاهب (مسیحیت، اسلام، هندوئیسم و ...)، زبان‌شناسی (زبانهای رومی، اسلاو، سامی و غیره) یا علوم طبیعی (پستانداران، خزندگان، پرندگان و غیر اینها) وجود خانواده تأیید شده است (داوید و اسپینوزی، ۱۳۷۶: ۲۹).

منظور از طبقه‌بندی حقوق اساسی کشورهای مختلف آن است که با تقلیل این نظامها به چند نوع محدود، معرفی و درک نظامهای مختلف سیاسی جهان معاصر آسان شود. مع‌هذا، در خصوص این که این طبقه‌بندی با اتکای به کدام ملاکها انجام پذیرد و در نتیجه کدام نظامهای سیاسی بجاست که پذیرفته شوند، اتفاق نظر وجود ندارد.

طبقه‌بندی را می‌توان بر مبنای متعدّدی استوار ساخت، اما هر طبقه‌بندی باید براساس طرح واحدی صورت پذیرد، تنها از آن به بعد است که می‌توان طبقه‌بندیهای متعدّدی با توجه به مبانی حقوقی، اقتصادی، سیاسی و غیره ترتیب نمود (ردیر، ۱۳۷۱: ۴۲). همانندیهایی میان حقوق اساسی کشورهای مختلف وجود دارند که امکان قرار گرفتن آنها را در یک نظام سیاسی واحد فراهم می‌آورند. با برجسته کردن معیار خاصی، نوع طبقه‌بندی متفاوت خواهد بود. قبل از طرح مهمترین این معیارها، گفتنی است که اولاً این نظامهای حقوقی - سیاسی با هر مبنایی که تعیین شوند به هیچ وجه، معرف تمام واقعیت جهان حقوقی - سیاسی معاصر نیستند. در کنار طرز فکری که این نظامها معرف آنها هستند یا در ترکیب با آنها؛ طرز فکریهای دیگری در رابطه با حسن سازماندهی جامعه وجود دارند و در بسیاری از جوامع همچنان تعیین کننده هستند. ثانیاً پذیرش یکی از معیارهای تفکیک موجب کنار نهادن سایر معیارها نیست، برعکس در اندرون هر کدام از آنها، طبقه‌بندیهای مبتنی بر سایر معیارها آثار خود را نشان می‌دهند.

### ۱. طبقه‌بندی جغرافیایی

همانگونه که از عنوان آن برمی‌آید، معیار این طبقه‌بندی وضعیت جغرافیایی کشورها و قرار گرفتن آنها در منطقه‌ای خاص از جهان است. به عبارت دیگر در این شیوه، نظامهای سیاسی که در بخشی از جهان قرار گرفته‌اند به عنوان یک خانواده منظور شده، حقوق اساسی آنها مورد مطالعه



قرار می‌گیرد و به این ترتیب به عنوان مثال حقوق اساسی کشورهای اروپایی، کشورهای آسیایی، کشورهای خاورمیانه، کشورهای آمریکا و غیره مدنظر قرار می‌گیرند.

ایرادات این شیوه کاملاً آشکار است، چراکه نه تنها در باب حدود یک منطقه یعنی تعیین کشورهایی که موضوع بررسی قرار می‌گیرند مسائل حل نشده و اختلاف نظرهای بالنسبه عمیق وجود دارد (بوشهری، ۱۳۷۶: ۱۸۳)، بلکه نظامهای سیاسی دو کشور حتی همسایه و هم‌مرز احتمالاً هیچ گونه تشابه و اشتراکی با هم ندارند و قرار گرفتن آنها ذیل یک خانواده جای سؤال دارد.

## ۲. طبقه‌بندی اقتصادی

مطابق این دیدگاه به علت در نظر نگرفتن عوامل دیگر اجتماعی، مانند عامل اقتصادی، تقسیم‌بندی حقوق‌دانها صوری و نارسا است و رژیم سیاسی را نمی‌توان از مجموعه زندگی اجتماعی جدا کرد. مثلاً در صورتی که رژیم اقتصادی مبتنی بر آزادی اقتصادی و محترم شمردن مالکیت خصوصی باشد رژیم سیاسی را به نحوی تحت تأثیر قرار می‌دهد، و هر گاه رژیم اقتصادی مبتنی بر منع آزادی فردی و از میان بردن مالکیت خصوصی، یعنی مبتنی بر سیستم سوسیالیستی، باشد تأثیر آن در رژیم سیاسی صورت دیگری خواهد داشت. همچنین در اقتصاد ارشادی و با نقشه، که در رژیم سیاسی منشأ اثر خاصی است، اگر رژیم اقتصادی متمرکز باشد از نظر سیاسی مرکز تصمیم‌گیری واحدی را به وجود می‌آورد و اگر رژیم اقتصادی غیرمتمرکز باشد مرکز تصمیم سیاسی نیز متعدّد خواهد بود (نراقی، ۱۳۶۳: ۲۴۹ و ۲۵۰). به‌طور کلی طبقه‌بندی اقتصادی با در نظر گرفتن نظامهای تولیدی و برقراری رابطه میان نظام سیاسی و ساختار اقتصادی انجام می‌پذیرد و بر این اساس نظام‌های سرمایه‌داری و نظام‌های سوسیالیستی از هم تفکیک می‌شوند.

اگرچه ویژگیهای اقتصادی تا حدودی نظامهای سیاسی و احکام قانون اساسی را در کشورهای مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهند و هر گونه مقایسه‌ای بدون بررسی اثرات عوامل مزبور نتیجه‌ای سطحی و فاقد مبنای علمی خواهد داشت اما واقعیت آن است که به عنوان مثال کشورهای زیادی وجود دارند که اقتصاد آنها بر مناسبات سرمایه‌داری استوار است در حالی که از نظر نظام سیاسی کاملاً متفاوت هستند. استقرار نظام‌های خودکامه نظیر فاشیسم و نازیسم در کنار نظامهای دموکراتیک که همگی به اردوگاه سرمایه‌داری تعلق داشته و یا دارند، شاهد این مدعا است.

## ۳. طبقه‌بندی سیاسی

این طبقه‌بندی با تکیه بر واقعیتهای سیاسی و با در نظر داشتن نهادهای سیاسی به مفهوم وسیع کلمه و به عبارت دیگر، براساس گرایش‌های سیاسی - اجتماعی انجام می‌پذیرد.

یکی از موارد این تقسیم‌بندی، تشخیص «دموکراسی‌های مستقیم» از «دموکراسی‌های غیرمستقیم» است که اولی مبتنی بر تئوری «حاکمیت مردم» و در نتیجه اخذ تصمیمات و اجرای آنها مستقیماً توسط دارندگان حاکمیت می‌باشد و دومی با استناد بر نظریه «حاکمیت ملی» موجبات پیدایش دموکراسی نمایندگی و اعمال حاکمیت با واسطه توسط نمایندگان ملت را فراهم می‌آورد. اهم ایرادات طبقه‌بندی فوق به این شرح است که: اولاً دربرگیرنده نظامهای اقتدارگرا، که به هر حال دارای حقوق اساسی ویژه خود هستند، نمی‌گردد؛ ثانیاً دموکراسی مستقیم در جوامع امروزی جز در موارد استثنایی و نادر نظیر خرده‌کانون‌های سويس قابلیت تحقق ندارد؛ ثالثاً دموکراسی غیرمستقیم در طیف وسیعی از کشورها با نظامهای سیاسی متفاوت اعمال می‌گردد.

مورد دیگر از طبقه‌بندی سیاسی، تقسیم نظامهای سیاسی به نظامهای کثرت‌گرا و نظامهای وحدت‌گرا است. در نوع اول رقابت آزاد و علنی بین نیروهای مختلف سیاسی - اجتماعی جاری است و قدرت به تناوب در اختیار یکی یا تعدادی از آنها قرار می‌گیرد، در حالی که در نوع دوم، فعالیت سیاسی و در نتیجه در اختیار داشتن قدرت، مخصوص گرایش خاص و نیروی واحدی است. نمونه برجسته نظامهای مبتنی بر این طبقه‌بندی نظامهای چندحزبی، سه‌حزبی، دوحزبی و تک‌حزبی است.

## ۴. طبقه‌بندی حقوقی

براساس قانونمندی اعمال قدرت، دو نظام عمده سیاسی از هم قابل تشخیص هستند: نخست نظامهای قانونی<sup>۱</sup> و قانونمدار<sup>۲</sup> که در آنها نیل به قدرت تنها براساس قانون امکان‌پذیر و کلیه تصمیمات دولت مبتنی بر قواعد حقوقی است؛ دوم نظامهای خودکامه یا اقتدارگر<sup>۳</sup> که در آنها رسیدن به قدرت و تصمیم و اقدام دولت در دست خود دولت است بدون این‌که در این خصوص قواعد از پیش تعیین‌شده‌ای موجود باشد و از طرف حاکمان مراعات گردد.

1. Etat légal  
2. Etat de droit  
3. Autoritaire

اشکال عمده این تقسیم‌بندی در آن است که قانونمندی اعمال قدرت دارای درجات است و تعیین مرز برای آن بسیار مشکل می‌باشد و حتی در بین نظام‌هایی که مدعی قانونی و قانونمدار بودن هستند تفاوت بسیار زیادی وجود دارد که در این نوع تقسیم‌بندی مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

اما طبقه‌بندی دیگر حقوقی، با تکیه بر یکی از ابزارهای کلیدی تحلیل در حقوق اساسی یعنی تفکیک قوا امکان‌پذیر است (Ardant, 2000: 239). در واقع شیوه تقسیم حاکمیت بین قوای حاکم و روابط فی‌مابین آنها در هر کدام از قوانین اساسی مبنی تفسیر خاصی از تفکیک قوا می‌باشد. نوع تفکیک قوا در هر کشوری شاخص اصلی تعیین رژیم سیاسی و ملاک تقسیم‌بندی رژیم‌های سیاسی است (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۹۴). در واقع، چگونگی توزیع اقتدارات حکومتی بین قوای حاکمه به ویژه قوه مجریه و قوه مقننه - که نوعی آرایش قوا در صحنه سیاسی است - موجب به وجود آمدن رژیم‌های متفاوت است.

طبقه‌بندی اخیر به دلیل جامع‌تر بودن در قیاس با سایر طبقه‌بندیها از سویی و در بر گرفتن اغلب مباحث و موضوعات حقوق اساسی تطبیقی از سوی دیگر، مبنای مطالعه حاضر قرار خواهد گرفت با تکرار این نکته که هیچ‌کدام از طبقه‌بندی‌ها معرف تمام واقعیت نیستند و پذیرش یکی از آنها موجب کنار نهادن سایر معیارها نمی‌باشد.

براساس این تقسیم‌بندی چهار نظام بزرگ حقوقی - سیاسی یعنی: نظام‌های پارلمانی (تفکیک نسبی یا همکاری قوا)، نظام‌های ریاستی (تفکیک مطلق قوا)، نظام‌های مختلط (نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی)، و نظام‌های اقتدارگرا (اختلاط یا عدم تفکیک قوا) از هم تشخیص داده می‌شوند که به ترتیب موضوع بخش یک تا بخش چهار این نوشتار قرار می‌گیرند.